



A Comparative Study of The Nature of the Venture Capital Fund

Mahmoud Hekmatnia¹, Javad Hoseinzadeh², Nima Sokouti³

¹ Professor of Jurisprudence and Law, Institute of Islamic Systems, Research Institute of Islamic Culture and Thought, Qom, Iran. mh.hekmatnia@yahoo.com

² Associate Professor, Law Department, Faculty of Humanities, University of Science and Culture, Tehran, Iran. hoseinzadeh@usc.ac.ir

³ PhD Graduate of Private Law, Faculty of Humanities, University of Science and Culture, Tehran, Iran (Corresponding Author). N.sokouti@gmail.com

Abstract

Venture capital is one of the new methods of financing, the operating mechanism of which is done in the form of a “venture capital fund”. The subject of this method of financing is investing in assets based on innovative ideas and financing investable companies. The necessity of explaining the nature of this financial institution is important because understanding the rulings and their effects is influenced by knowing its nature. Meanwhile, looking at the systems ahead in this field can pave the way for the internal legal system. To this end, the present study, with an approach to the British legal system as one of the pioneers in this field, has investigated the nature of a venture capital fund. Recruiting an analytical-descriptive design, findings revealed that the nature of the financial institute is in the comparative dimension of the type of partnership- in contrast to other common organizations and business structures in that country- and among the types of partnerships, it also falls into the category of limited partnerships; however, from the domestic law perspective, it is one of the examples of non-commercial for-profit organizations and institutes.

Keywords: Venture Capital, Financial Institute, Investment Fund, Partnership, Corporation.

Received: 2021/06/12 ; Accepted: 2022/11/21

How To Cite: Hekmatnia, Mahmoud; Hoseinzadeh, Javad; Sokouti, Nima (2023). A Comparative Study of The Nature of the Venture Capital Fund, *Comparative Study on Islamic and Western Law*, 10(1), 101-124. doi.org/10.22091/CSIW.2022.7044.2104



مطالعه تطبیقی ماهیت صندوق سرمایه گذاری جسورانه

محمود حکمت‌نیا^۱، جواد حسین‌زاده^۲، نیما سکوتی^۳

^۱ استاد گروه فقه و حقوق، پژوهشکده نظام‌های اسلامی، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم، ایران. mh.hekmatnia@yahoo.com

^۲ دانشیار گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه علم و فرهنگ، تهران، ایران. hoseinzadeh@usc.ac.ir

^۳ دانش‌آموخته دکتری حقوق خصوصی، دانشگاه علم و فرهنگ، تهران، ایران (نویسنده مسئول). N.sokouti@gmail.com

چکیده

سرمایه‌گذاری جسورانه یکی از روش‌های نوین تأمین مالی است که سازوکار عملیاتی آن در قالب "صندوق سرمایه‌گذاری جسورانه" صورت می‌گیرد. موضوع این شیوه تأمین مالی، سرمایه‌گذاری بر روی دارایی‌های مبتنی بر ایده‌های نوآورانه و تأمین مالی شرکت‌های سرمایه‌پذیر است. ضرورت تبیین ماهیت این نهاد مالی از آن جهت اهمیت می‌یابد که فهم احکام و آثار مترتب بر آن، متأثر از شناخت ماهیت آن است. در این میان نگاه به نظام‌های ملی پیش‌رو در این حوزه می‌تواند راهگشای نظام حقوقی داخلی باشد. به همین منظور مطالعه حاضر با رویکرد بر نظام حقوقی انگلستان به عنوان یکی از پیشگامان این عرصه، به بررسی موضوع ماهیت صندوق سرمایه‌گذاری جسورانه پرداخته است؛ نتایج حاصل از این پژوهش که به روش تحلیلی و توصیفی انجام شده حاکی از آن است که ماهیت نهاد مالی مذکور، در بُعد تطبیقی از نوع مشارکت - در مقابل سایر سازمان‌ها و ساختارهای تجاری رایج در آن کشور - بوده و در میان اقسام مشارکت‌ها نیز در دسته مشارکت محدود جای می‌گیرد؛ اما از جنبه حقوق داخلی، از مصادیق تشکیلات و مؤسسات غیرتجارتی انتفاعی به‌شمار می‌رود.

کلیدواژه‌ها: سرمایه‌گذاری جسورانه، نهاد مالی، صندوق سرمایه‌گذاری، مشارکت، شخصیت حقوقی.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۲۲ ؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۸/۳۰

استاد: حکمت‌نیا، محمود؛ حسین‌زاده، جواد؛ سکوتی، نیما (۱۴۰۲). مطالعه تطبیقی ماهیت صندوق سرمایه‌گذاری جسورانه، پژوهش

تطبیقی حقوق اسلام و غرب، ۱۰(۱)، ۱۲۴-۱۰۱. doi.org/10.22091/CSIW.2022.7044.2104

مقدمه

در اقتصاد کنونی دنیا، استارت‌آپ‌ها و کسب‌وکارهای نوآورانه نقش بی‌بدیلی در رونق اقتصادی کشورها ایفا می‌کنند، زیرا به واسطه اشتغال‌زایی، کارآفرینی، تولید ثروت به واسطه توسعه فناوری و ...، رشد اقتصادی را در پی دارند. اما حصول این شرایط و تجاری‌سازی دارایی‌های فکری از مرحله تبدیل ایده به محصول گرفته تا تجاری‌سازی آن مستلزم دسترسی به منابع مالی مورد نیاز است. البته داشتن سرمایه کافی، شرطی لازم است نه کافی؛ چراکه مدیریت این فرآیند خود مقوله‌ای دیگر است که دانش و تخصص ویژه‌ای را می‌طلبد. بدین ترتیب تأمین مالی توأم با مدیریت فنی، موضوع سرمایه‌گذاری جسورانه است که چارچوب فعالیت آن در قالب "صندوق سرمایه‌گذاری جسورانه" صورت می‌گیرد. باید افزود وجه تسمیه جسورانه این صندوق‌ها به خاطر آن است که اساساً سرمایه‌گذاری در صندوق‌های یادشده از ریسک بسیار بالایی برخوردار است و به این دلیل است که از آنها با عنوان صندوق سرمایه‌گذاری جسورانه یاد می‌شود. لذا از جمله مباحثی که اهمیت فوق‌العاده‌ای می‌یابد، ماهیت حقوقی این صندوق‌ها است.

این در حالی است که ماهیت صندوق سرمایه‌گذاری جسورانه در حقوق ایران دارای ابهام است. این ابهام از آنجا سرچشمه می‌گیرد که قانون‌گذار در بند (۲۱) قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۴ انواع نهادهای مالی را احصاء کرده و از این نهاد اولاً تحت عنوان "صندوق‌های سرمایه‌گذاری" یاد کرده است. ثانیاً در بند (۲۰) نیز به تعریف صندوق سرمایه‌گذاری پرداخته و مقرر می‌دارد: «نهادی مالی است که فعالیت اصلی آن سرمایه‌گذاری در اوراق بهادار می‌باشد و مالکان آن به نسبت سرمایه‌گذاری خود، در سود و زیان صندوق شریک‌اند». از سوی دیگر، مجدداً در بند (ه) ماده (۱) قانون توسعه ابزارها و نهادهای مالی جدید در راستای تسهیل اجرای سیاست‌های کلی اصل چهارم و چهارم قانون اساسی مصوب ۱۳۸۸ در تعریف آن بیان می‌دارد: «نهادی مالی است که منابع مالی حاصل از انتشار گواهی سرمایه‌گذاری را در موضوع فعالیت مصوب خود سرمایه‌گذاری می‌کند». همان‌طور که ملاحظه می‌شود ضمن این که تعاریف به عمل آمده کلی هستند، ملاک بازشناخت نهادهای غیرتجاری از شرکت‌های تجاری در آن لحاظ نشده است.

اهمیت توصیف ماهیت صندوق سرمایه‌گذاری جسورانه از آنجا ناشی می‌شود که شناخت احکام و آثار حاکم بر این نهاد مالی مستلزم روشن شدن ماهیت آن است. به این دلیل، بررسی ماهیت صندوق ضروری می‌نماید. بی‌گمان از آنجا که نتایج حاصل از مطالعات تطبیقی می‌تواند راهنما و بعضاً راهگشای نظام حقوقی داخلی باشد، بر این اساس این تحقیق با رویکرد تطبیقی به دنبال آن است به این مسائل پاسخ دهد که آیا صندوق سرمایه‌گذاری جسورانه شخصیت حقوقی دارد. مضافاً به لحاظ ماهیت حقوقی در چه قالبی می‌توان آن را دسته‌بندی کرد؛ شرکت تجاری یا نهاد غیرتجاری و چنانچه نهادی غیرتجاری باشد، طبیعت نوعی آن چیست.

مقاله پیش‌رو به دنبال ارائه نظریه‌ای منطبق بر قوانین و مقررات مرتبط با موضوع و بازار سرمایه از جمله قوانین مذکور در بالا و نیز نمونه اساسنامه صندوق سرمایه‌گذاری جسورانه مصوب سازمان بورس و اوراق بهادار پیرامون مسائل مطروحه است. به این منظور و با هدف شناخت هر چه بهتر این نهاد مالی نخست به تعریف و بیان ویژگی‌های صندوق سرمایه‌گذاری جسورانه می‌پردازیم، سپس شخصیت حقوقی این نهاد بررسی و در آخر ماهیت حقوقی آن تحلیل می‌شود.

۱. تعریف و ویژگی‌های صندوق سرمایه‌گذاری جسورانه

۱-۱. تعریف صندوق سرمایه‌گذاری جسورانه

به غیر از آئین‌نامه ناظر به صندوق سرمایه‌گذاری جسورانه^۱ اروپایی، تعریفی از صندوق سرمایه‌گذاری جسورانه به عمل نیامده است. بلکه همه تعاریف ارائه شده معطوف به خود سرمایه‌گذاری جسورانه است. در این میان تعاریف مختلفی از خود سرمایه‌گذاری جسورانه ارائه شده و به تدریج طی سال‌های گذشته این تعاریف، تغییر و تکامل یافته است. در اصل، علت اینکه تعریف روشن و دقیقی از سرمایه‌گذاری جسورانه وجود ندارد این است که این اصطلاح حاصل تجارب عملی است بدون اینکه مستخرج از بنیان و ساختارهای نظری باشد (صادقی‌شاهدانی و صلواتیان، ۱۳۹۷: ۶۴).

کلونوسکی در تعریف سرمایه‌گذاری جسورانه می‌گوید: به طور کلی به سرمایه ارائه شده به شرکت‌های خصوصی با هدف تسریع توسعه آنها به واسطه دسترسی به سرمایه و طیف گسترده‌ای از خدمات پشتیبانی کسب‌وکار، تعریف می‌شود (Klonowski, 2010: 2). در مقابل، انجمن سرمایه‌گذاری خطرپذیر و سرمایه‌گذاری در سهام خصوصی اروپا (EVCA)^۲، سرمایه‌گذاری خطرپذیر را سرمایه‌ای تعریف می‌کند که به طور مشترک با کارآفرین با هدف تأمین سرمایه و دانش فنی به کسب‌وکارهای مرحله مقدم (مرحله بذر، مرحله راه‌اندازی یا مرحله اول توسعه) ارائه می‌شود (Arundale, 2007: 5).

علاوه بر این‌ها، نتایج حاصل از یک طرح مطالعاتی حاکی از آن است که سرمایه‌گذاری خطرپذیر، نوعی از تأمین مالی فعالیت‌های نوآورانه است که معمولاً روی شرکت‌های کوچک و متوسط انجام شده و همراه با مشاوره‌های هوشمند و هدایت‌ها و نظارت‌های مدیریتی است (ابوجعفری و کنعانی، ۱۳۹۵: ۹). طبق شق (b) ماده (۳) آئین‌نامه شماره ۲۰۱۳/۳۴۵ مصوب پارلمان و شورای اروپا مورخ ۱۷ آوریل ۲۰۱۳ در مورد صندوق‌های سرمایه‌گذاری جسورانه اروپایی^۳، صندوق سرمایه‌گذاری جسورانه به معنای

1. Venture Capital

2. European Private Equity and Venture Capital Association

3. REGULATION (EU) No 345/2013 OF THE EUROPEAN AND OF THE COUNCIL of 17 April 2013: on European venture capital funds

تعهد سرمایه‌گذاری جمعی است که:

۱) در نظر دارد حداقل ۷۰٪ از مجموع مانده وجوه ناشی از آورده‌ها و سرمایه تعهد شده خود را که بر اساس مبالغ قابل سرمایه‌گذاری پس از کسر تمام هزینه‌های مربوطه و دارایی‌های نقدی و معادل نقدی آن محاسبه شده، در دارایی‌هایی که سرمایه‌گذاری واجد شرایط را دارند، در یک بازه زمانی که در قوانین یا اسناد آن پیش‌بینی شده است، سرمایه‌گذاری کند؛

۲) بیش از ۳۰٪ از مجموع مانده وجوه ناشی از آورده‌ها و سرمایه تعهد شده خود را که بر اساس وجوه قابل سرمایه‌گذاری پس از کسر تمام هزینه‌های مربوطه و دارایی‌های نقدی و معادل نقدی آن محاسبه شده، برای خرید دارایی‌های دیگر به‌غیر از سرمایه‌گذاری‌های واجد شرایط استفاده نمی‌کند.

از سوی دیگر تعهد سرمایه‌گذاری جمعی^۱، برابر شق (a) بند (۱) ماده (۴) دستورالعمل شماره ۲۰۱۱/۶۱/EU مصوب پارلمان و شورای اروپا مورخ ۸ ژوئن ۲۰۱۱ در مورد مدیران صندوق سرمایه‌گذاری جایگزین و دستورالعمل اصلاحی ۲۰۰۳/۴۱/EC و ۲۰۰۹/۶۵/EC و آیین‌نامه‌های (EC) شماره ۱۰۶۰/۲۰۰۹ و (EU) شماره ۱۰۹۵/۲۰۱۰، به صندوق‌های سرمایه‌گذاری جایگزین^۲ اشاره دارد که با جمع‌آوری سرمایه از تعدادی سرمایه‌گذاران، با هدف سرمایه‌گذاری آن مطابق با یک سیاست تعریف شده برای منافع آن سرمایه‌گذاران بدون نیاز به اخذ مجوز، فعالیت می‌کند.

قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۴ نیز بدون این‌که تعریفی از صندوق سرمایه‌گذاری جسورانه بدست دهد، به تعریف کلی تمامی صندوق‌های سرمایه‌گذاری پرداخته است. بند (۲۰) ماده (۱) این قانون اشعار می‌دارد: «صندوق سرمایه‌گذاری نهادی مالی است که فعالیت اصلی آن سرمایه‌گذاری در اوراق بهادار می‌باشد و مالکان آن به‌نسبت سرمایه‌گذاری خود، در سود و زیان صندوق شریک‌اند». در قانون توسعه ابزارها و نهادهای مالی جدید مصوب ۱۳۸۸ نیز مانند قانون بازار اوراق بهادار، به تعریف کلی صندوق سرمایه‌گذاری اکتفا شده است و در بند (ه) ماده (۱) آن آمده است: «صندوق سرمایه‌گذاری نهادی مالی است که منابع مالی حاصل از انتشار گواهی سرمایه‌گذاری را در موضوع فعالیت مصوب خود سرمایه‌گذاری می‌کند».

در اصل، هر یک از این تعاریف گویای بخشی از واقعیت صندوق است، بدون این‌که واجد همه مختصات آن باشند. بنابراین با تکیه بر خصیصه‌های اصلی صندوق، تعریف زیر را می‌توان در حقوق

1. Collective Investment Undertakings

2. DIRECTIVE 2011/61/EU OF THE EUROPEAN PARLIAMENT AND OF THE COUNCIL of 8 June 2011: on Alternative Investment Fund Managers and amending Directives 2003/41/EC and 2009/65/EC and Regulations (EC) No 1060/2209 and 1095/2010

3. Alternative Investment Funds

ایران ارائه داد: "صندوق سرمایه‌گذاری جسورانه عبارت از نهاد مالی واسطه است که دارای شخصیت حقوقی بوده و به تأمین مالی مخاطره‌آمیز و مدیریت دارایی مبتنی بر طرح‌ها و ایده‌های نوآورانه دارای قابلیت رشد سریع بالای شرکت‌های خصوصی سرمایه‌پذیر نوپا، با هدف ایجاد ارزش افزوده و کسب حداکثر سود به واسطه به بهره‌برداری رساندن و تجاری‌سازی آن دارایی‌ها در طی مدت محدود و معین در اثر بازگشت سرمایه در خلال مرحله خروج می‌پردازد."

۲-۱. ویژگی‌های صندوق سرمایه‌گذاری جسورانه

با لحاظ تعریف ارائه شده از صندوق سرمایه‌گذاری جسورانه می‌توان ویژگی‌های زیر را برای این صندوق برشمرد: (۱) نهاد مالی است؛

(۲) واسطه مالی است؛ به این مفهوم که منابع مالی حاصل از جمع‌آوری سرمایه از سرمایه‌گذاران را در دارایی‌های هدف سرمایه‌گذاری می‌کند.

(۳) واجد شخصیت حقوقی است؛

(۴) کارکرد صندوق عبارت از تأمین مالی و مدیریت دارایی‌ها است؛

(۵) طبیعت دارایی شرکت سرمایه‌پذیر از نوع دارایی فکری است؛

(۶) ذات سرمایه‌گذاری و شرکت سرمایه‌پذیر به‌گونه‌ای است که به‌رغم برخورداری از ریسک بالا، از پتانسیل رشد سریع بالا برخوردار است؛

(۷) شرکت سرمایه‌پذیر از نوع شرکت خصوصی است؛ مطابق بند (۱) ماده (۱۳) نمونه اساسنامه، صندوق در راستای انجام فعالیت اصلی خود صرفاً می‌تواند در دارایی‌هایی که مالکیت آن از طریق پذیره‌نویسی عمومی واگذار نشده باشد، سرمایه‌گذاری نماید. در اینجا منظور از شرکت خصوصی، شرکتی است که تا مدتی پس از سرمایه‌گذاری قابلیت عرضه در بازار عمومی را نخواهد داشت (Metrick & Yasuda, 2011: 3).

(۸) هدف صندوق کسب سود است؛

(۹) موضوع فعالیت صندوق با در نظر گرفتن این که عبارت از به بهره‌برداری رساندن و تجاری‌سازی ایده‌های نوآورانه است، غیرتجاری می‌باشد؛

(۱۰) مدت فعالیت صندوق محدود و معین است؛

(۱۱) تخصیص سود احتمالی در مرحله خروج صورت می‌گیرد.

۲. شخصیت حقوقی صندوق سرمایه‌گذاری جسورانه، زمان ایجاد آن و آثار ناشی از استقلال شخصیت حقوقی صندوق

این مبحث به دنبال بررسی و پاسخ به این سئوالات است که آیا صندوق سرمایه‌گذاری جسورانه در نظام‌های ملی مورد مطالعه دارای شخصیت حقوقی است. چنانچه پاسخ مثبت است، زمان ایجاد و آثار

آن کدام است.

۲-۱. شخصیت حقوقی صندوق سرمایه‌گذاری جسورانه و زمان ایجاد آن

۲-۱-۱. حقوق انگلیس

در حقوق انگلیس، مشارکت‌ها فاقد شخصیت حقوقی هستند (Goulding, 1999: 5; Judge, 1999: 164; Andenas & Wooldridge, 2009: 153; The Association of Business Executives: 168). به اعتقاد نویسندگان آن کشور عبارت آغازین بخش (۱) از (۱) قانون مشارکت ۱۸۹۰^۱ که اشعار می‌دارد: «مشارکت رابطه‌ای است که بین اشخاص برقرار است...»، روشن است؛ و گویای این است که مشارکت یک نهاد حقوقی مستقل با شخصیت حقوقی منحصر به فرد مانند شرکت نیست. زیرا مشارکت صرفاً رابطه‌ای بین اشخاص است. چنین رابطه‌ای موجب ایجاد حقوق و تعهدات حقوقی می‌شود، اما شخص حقوقی جدیدی به وجود نمی‌آید (MacIntyre, 2011: 329).

۲-۱-۲. حقوق ایران

در حقوق ایران پیرامون این که آیا صندوق سرمایه‌گذاری جسورانه دارای شخصیت حقوقی است یا خیر، ماده (۲) قانون توسعه ابزارها و نهادهای مالی جدید به پرسش مزبور، پاسخ مثبت داده است؛ به موجب ماده ۲ مذکور، «سازمان ثبت اسناد و املاک کشور موظف است صرفاً با مجوز سازمان، صندوق‌های موضوع بندهای (۱۹) و (۲۰) ماده (۱) قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران را ثبت نماید. این صندوق‌ها از تاریخ ثبت دارای شخصیت حقوقی می‌باشند».

از آنجایی که از یک طرف بند (۲۱) ماده (۱) قانون اخیرالذکر، نهادهای مالی را احصاء کرده است^۲ که صندوق سرمایه‌گذاری یکی از آن نهادها معرفی شده است؛ و از طرف دیگر، اطلاق عنوان "صندوق سرمایه‌گذاری"، صندوق‌های سرمایه‌گذاری جسورانه را نیز در بر می‌گیرد، از این رو باید بر آن بود که صندوق‌های سرمایه‌گذاری جسورانه از شخصیت حقوقی برخوردار هستند.

پس از روشن شدن این که صندوق سرمایه‌گذاری جسورانه دارای شخصیت حقوقی است، باید به سؤال دوم مبنی بر این که این صندوق‌ها از چه زمانی شخصیت حقوقی پیدا می‌کنند، پاسخ داد. بند پایانی ماده (۲) قانون توسعه ابزارها و نهادهای مالی جدید، ملاک را "تاریخ ثبت" قرار داده است.

1. Partnership Act 1890

۲. بند (۲۱) ماده (۱) قانون بازار اوراق بهادار ج. ا. ا: «نهادهای مالی: منظور نهادهای مالی فعال در بازار اوراق بهاداراند که از آن جمله می‌توان به "کارگزاران، کارگزاران/ معامله‌گران، بازارگردانان، مشاوران سرمایه‌گذاری، مؤسسات رتبه‌بندی، صندوق‌های سرمایه‌گذاری، شرکت‌های سرمایه‌گذاری، شرکت‌های پردازش اطلاعات مالی، شرکت‌های تأمین سرمایه، و صندوق‌های بازنشستگی" اشاره کرد».

طبق بند مورد اشاره "... این صندوق‌ها از تاریخ ثبت دارای شخصیت حقوقی می‌باشند". بدین ترتیب، صندوق سرمایه‌گذاری جسورانه از تاریخ ثبت واجد شخصیت حقوقی می‌شوند.

۲-۲. آثار ناشی از استقلال شخصیت حقوقی صندوق در حقوق ایران

گفته شد مشارکت‌ها در حقوق انگلیس دارای شخصیت حقوقی نیستند اما در حقوق ایران واجد شخصیت حقوقی هستند. از این‌رو بررسی آثار این امر در حقوق ایران لازم می‌نماید. روشن است شناسایی شخصیت حقوقی برای صندوق، آثار و پیامدهایی را به دنبال دارد. اهم آثار مترتب بر صندوق سرمایه‌گذاری جسورانه به شرح ذیل است:

۱) **نام صندوق:** اولین وجهه متمایز افراد انسانی در اجتماع در وهله اول، اسم یا نام آنهاست. اشخاص حقوقی نیز از این قاعده مستثنی نیستند. ضرورت داشتن نام از آنجا ناشی می‌شود که بدون وجود آن برقراری رابطه با یک شخص به دشواری صورت می‌گیرد (صفایی و قاسم‌زاده، ۱۳۸۴: ۱۶۱). به عبارت دیگر لزوم دارا بودن اشخاص اعم از حقیقی و حقوقی از نام مستقل به این خاطر است که از طریق آن در میان سایر اشخاص قابل شناسایی باشد (گندم‌کار، صالحی مازندرانی و حمیدی، ۱۴۰۰: ۲۴۵).

گفتنی است به‌رغم این‌که در حقوق انگلیس مشارکت‌ها شخصیت حقوقی ندارند، در عین حال قانون مشارکت محدود ۱۹۰۷ انگلیس در بخش A (۸) تحت عنوان "درخواست ثبت نام" بر لزوم مشخص کردن نام مشارکت تأکید کرده و در بند (۲) بخش B (۸) قیودی را پیش‌بینی کرده است که طبق آن نام مشارکت محدود باید با عبارت "مشارکت محدود" یا مخفف "LP" پایان یابد.

در حقوق ایران لزوم رعایت هر دو مؤلفه مذکور یعنی ضرورت داشتن نام و هم مشخص کردن نوع شرکت در سرمایه‌گذاری در قالب صندوق سرمایه‌گذاری را از قسمت آخر ماده (۲) نمونه اساسنامه صندوق سرمایه‌گذاری جسورانه مصوب سازمان بورس و اوراق بهادار که مقرر داشته: «... نام این صندوق سرمایه‌گذاری، «جسورانه...» می‌باشد»، قابل استنباط است. با این بیان که اولاً، صندوق باید نام منحصر به خود داشته باشد؛ ثانیاً، نوع اشتراک اشخاص در سرمایه‌گذاری، در قالب صندوق سرمایه‌گذاری جسورانه صورت می‌گیرد.

۲) **دارایی مستقل صندوق:** یکی از نتایج منطقی پذیرش شخصیت حقوقی یا عدم آن، بسته به مورد در استقلال یا عدم استقلال دارایی نهادهای متعلق موضوع شخصیت حقوقی ظاهر می‌شود. براین اساس، به‌لحاظ این‌که در حقوق انگلیس مشارکت‌ها از جمله مشارکت محدود از شخصیت حقوقی برخوردار نیستند (Goulding, 1999: 5; Judge, 1999: 164; Andenas & Wooldridge, 2009: 153; The Association of Business Executives: 168)، به همین دلیل اصولاً دارایی مستقل برای مشارکت‌ها قابل تصور نیست و آورده شرکا به مالکیت مشارکت در نمی‌آید (Goulding, 1999: 5; MacIntyre, 2011: 343; Dignam &

ولی با توجه به این که صندوق در حقوق ایران از شخصیت حقوقی برخوردار است، به طبع سرمایه شخصی و خصوصی سرمایه‌گذاران در حد آورده از دارایی آنها انتزاع و به دارایی صندوق منتقل می‌شود. بخش ابتدایی ماده (۲۱) نمونه اساسنامه مصوب سازمان به این موضوع صحنه گذاشته و بیان می‌دارد: "به تشخیص مدیر و توافق متولی به تعداد لازم حساب یا حساب‌های بانکی به نام صندوق افتتاح می‌شود". بدین ترتیب، امکان افتتاح حساب یا حساب‌های بانکی به نام صندوق از آثار استقلال دارایی صندوق از دارایی شخصی سرمایه‌گذاران خود است. البته در قبال سرمایه‌گذاری سرمایه‌گذاران، گواهی سرمایه‌گذاری صادر می‌شود که معرف تعداد واحدهای سرمایه‌گذاری در تملک آن سرمایه‌گذار است (بند ۱۲ ماده ۱ نمونه اساسنامه). واحد سرمایه‌گذاری نیز کوچک‌ترین جزء سرمایه صندوق است (بند ۱۱ ماده ۱ نمونه اساسنامه).

۳) اهلیت صندوق: از دیگر آثار ناشی بر قبول شخصیت حقوقی، فرض اهلیت بر صندوق جدای از اشخاص وابسته به آن است. البته اهلیت اشخاص حقوقی نامحدود نیست و مقید به "اصل تخصص" آنهاست و در راستای آن تفسیر می‌گردد (طباطبائی مؤتمنی، ۱۳۹۱: ۳۰۲). بنابراین، اساساً اهلیت صندوق معطوف به موضوع فعالیت آن بوده و در چارچوب موضوع مندرج در اساسنامه که همانا جمع‌آوری منابع مالی و سرمایه‌گذاری در اوراق مالکیت اشخاص حقوقی با موضوع فعالیت در پروژه‌های فکری نوآورانه به منظور به بهره‌برداری رساندن و تجاری‌سازی دارایی‌های یادشده می‌باشد، تعیین و تحدید می‌شود.

هم‌چنین باید اضافه کرد بدیهی است اعمال اهلیت صندوق به واسطه هیات مدیره به عنوان رکن تصمیم‌گیرنده و مدیر به عنوان رکن اداره‌کننده صندوق، به منصفه ظهور می‌رسد.

۴) اقامتگاه صندوق: بدون تردید از پیامدهای دیگر پذیرش شخصیت حقوقی، اقامتگاه شخص حقوقی است. به طوری که ماده (۵۸۹) ق.ت نیز گفته است: «اقامتگاه شخص حقوقی محلی است که اداره‌ی شخص حقوقی در آنجا است». صندوق سرمایه‌گذاری جسورانه نیز با تبعیت از این قاعده، دارای اقامتگاه مستقل از سرمایه‌گذاران خود خواهد بود.

ماده (۱۷) نمونه اساسنامه صندوق سرمایه‌گذاری جسورانه مصوب سازمان بورس و اوراق بهادار، تعیین محل اقامت صندوق را بر عهده "مدیر صندوق" گذاشته است. ماده مزبور بیان می‌کند: «محل اقامت صندوق توسط مدیر صندوق در شهر... تعیین شده است». از طرف دیگر ماده (۳۶) نمونه اساسنامه صندوق، در مقام بیان وظایف و مسئولیت‌های مدیر صندوق از چنین اختیار مدیر، سخنی به میان نیاورده است. فقط در بند (۱) ماده مذکور از "اختصاص فضای مناسب اداری، با امکانات و تجهیزات لازم به منظور انجام امور صندوق" نام برده است. شاید گفته شود اختیار مدیر صندوق بشرح مذکور در آن بند مبنی بر "اختصاص فضای مناسب اداری با امکانات و تجهیزات لازم به منظور انجام

امور صندوق"، به قرینه عبارت "به منظور انجام امور صندوق"، به صورت تلویحی حاکی از اختیار تعیین اقامتگاه صندوق نیز هست. چه آن که، اقامتگاه صندوق با مشخص شدن فضای مناسب اداری در یک مکان معلوم به صورت ضمنی، تعیین پیدا می کند.

لیکن آنچه قابل تأمل است این که قاعداً شروع فعالیت صندوق مستلزم اخذ مجوزهای لازم است. از این رو، دوره حیات صندوق به دو دوره "تأسیس" و "فعالیت" تقسیم می شود؛ به عبارت دیگر، فعالیت صندوق فرع بر تأسیس آن است. کما اینکه ماده (۲) نمونه اساسنامه صندوق نیز اشعار می دارد: «این صندوق با دریافت مجوز تأسیس و فعالیت از سازمان و ثبت نزد مرجع ثبت شرکت ها... مطابق این اساسنامه و مقررات اداره می شود...». از طرف دیگر، از جمله اسناد و مدارک لازم جهت اخذ مجوزهای لازم به منظور تأسیس صندوق، ارائه اساسنامه صندوق است که بی گمان باید اقامتگاه صندوق در آن تعیین شده باشد. در واقع، صلاحیت های مدیر صندوق ناظر به دوره فعالیت صندوق است. بنابراین به نظر می رسد منظور از مدیر صندوق در ماده (۱۷) نمونه امیدنامه، "مؤسسين" صندوق باشد که به مسامحه "مدیر صندوق" یاد شده است.

۵) تابعیت صندوق: بخش نخست ماده (۶) نمونه اساسنامه مصوب سازمان، به صورت پیش فرض عنوان می دارد: «صندوق تابعیت ایرانی دارد». طبعاً لازمه این امر آن است که ناگزیر صندوق اقامتگاه ایرانی داشته باشد. چرا که ماده (۵۹۱) ق.ت به عنوان یک قاعده کلی تصریح می نماید: «اشخاص حقوقی تابعیت مملکتی را دارند که اقامتگاه آنها در آن مملکت است».

افزون بر این، اشاره به این نکته مفید می نماید که دلیل آن که صندوق سرمایه گذاری جسورانه از قلمرو ماده (۱) قانون ثبت شرکتها مصوب ۱۳۱۰^۱ خارج است، بنابراین ضابطه ارائه شده در ماده مذکور مدخلیتی در تعیین تابعیت صندوق ندارد. زیرا هم چنان که از عنوان قانون یادشده پیداست، ماده مذکور ناظر به شرکت ها است. بنابراین، از آنجا که صندوق شرکت تجاری تلقی نمی شود، از دامنه شمول این قانون خارج است.

۳. ماهیت صندوق سرمایه گذاری جسورانه

منظور از ماهیت صندوق، تبیین چستی نهاد مالی مزبور به لحاظ تجاری و غیرتجاری بودن آن و همچنین تعیین جایگاه آن در میان اقسام نهادها و سازمان های تجاری و یا مدنی پذیرفته شده در حقوق کشورهای مورد مطالعه است. البته در اینجا این موضوع را نیز باید در نظر داشت که نباید ماهیت خود صندوق را با ماهیت کارکرد آن در هم آمیخت؛ زیرا در حالی که بررسی ماهیت صندوق به روشن ساختن

۱. ماده (۱) قانون ثبت شرکتها: «هر شرکتی که در ایران تشکیل و مرکز اصلی آن در ایران باشد، ایرانی است».

طبیعت آن با در نظر گرفتن مطالب بالا می‌پردازد، اما ماهیت کارکرد صندوق، عملکرد آن را با لحاظ روابط طرفین صندوق، ماهیت فعالیت صندوق و ... محور توجه قرار داده و با این نگاه به توصیف موضوع می‌پردازد.

۱-۳. حقوق انگلیس

به‌منظور شناخت بهتر ماهیت صندوق سرمایه‌گذاری جسورانه در حقوق انگلیس اول باید با انواع سازمان‌ها و ساختارهای تجاری در آن کشور آشنا شد و بعد از آن به بررسی جایگاه صندوق در میان آن ساختارها پرداخت.

در حقوق انگلیس، سازمان‌ها و ساختارهای تجاری به‌طور کلی به سه دسته تقسیم شده‌اند که عبارت‌اند از: تاجر منفرد (یا مالکیت انحصاری)^۱، مشارکت^۲ و شرکت (یا شرکت ثبت شده)^۳ هستند (Judge, 1999: 157). البته برخی از نویسندگان ساختارهای رایج در آن کشور را به چهار دسته تقسیم کرده و از مشارکت عادی در کنار مشارکت با مسئولیت محدود نام برده‌اند و آنها را بدین ترتیب دسته‌بندی کرده است: ۱. مالکیت انحصاری؛ ۲. مشارکت عادی؛ ۳. مشارکت با مسئولیت محدود؛ ۴. شرکت (Roach, 2014: 3).

در این میان، مشارکت خود به سه نوع مشارکت (یا مشارکت عادی)^۴، مشارکت محدود^۵ و مشارکت با مسئولیت محدود^۶ منقسم می‌شود (Pettet, 2005: 20).

بدین‌نحو در مقابل شرکت، نوع اصلی سازمان تجاری، مشارکت است که یک ساختار غیرشرکتی است؛ جایی که دو یا چند شخص با اهداف مشترک دور هم جمع می‌شوند. درحالی‌که یک شرکت نمی‌تواند یک مشارکت باشد، اما یک شرکت می‌تواند در یک مشارکت شریک باشد (Goulding, 1999: 5; MacIntyre, 2011: 329).

بنابراین یک مشارکت از آنجا که از جمله می‌تواند به‌صورت غیررسمی ایجاد و به‌طور غیررسمی منحل شود، کاملاً با یک شرکت متفاوت است (The Association of Business Executives: 96). افزون بر این، از جنبه‌های دیگر یعنی تشریفات تشکیل، استقلال شخصیت حقوقی، مسئولیت محدود، تغییر تجارت، جانشینی دائمی، مشارکت در مدیریت، نظارت عمومی، نحوه عضویت شرکا و اعضای جدید،

-
1. The Sole Trader; or The Sole Proprietorship
 2. The Partnership
 3. The Company; or The Registered Company
 4. The Partnership; or The Ordinary Partnership
 5. The Limited Partnership (LP)
 6. The Limited Liability Partnership (LLP)

افزایش وام و محدودیت در تعداد اعضا به عنوان تمایزات کلی بین مشارکت‌ها و شرکت‌ها نام برده شده است (Judge, 1999: 161- 171).

در اینجا باید تصریح کرد که در حقوق انگلیس مشارکت‌ها با شرکت دارای تفاوت‌هایی است و در بین انواع مشارکت‌ها نیز، مشارکت محدود از یک طرف با مشارکت عادی و از طرف دیگر با مشارکت با مسئولیت محدود واجد وجه افتراقی هستند.

به طور کلی، وجه افتراق مشارکت‌ها با شرکت در حقوق آن کشور اولاً، به وجود شخصیت حقوقی در شرکت و عدم آن در مشارکت؛ ثانیاً، مسئولیت محدود شرکا در شرکت و نامحدود شرکا در مشارکت؛ و ثالثاً، لزوم ثبت شرکت‌ها و عدم الزام ثبت مشارکت‌ها باز می‌گردد. به رغم این‌ها، مشارکت محدود واجد برخی اوصاف حاکم بر شرکت‌ها می‌باشد؛ زیرا هر چند مشارکت محدود از شخصیت حقوقی برخوردار نیست، اما مسئولیت محدود برخی از شرکا پذیرفته شده است. از طرف دیگر، مطابق قانون مشارکت محدود ۱۹۰۷ انگلیس، مشارکت محدود در آن کشور، باید به ثبت برسد.

تفاوت‌های مشارکت محدود با مشارکت عادی نیز از جمله در موارد زیر خلاصه می‌شود: اولاً، مسئولیت محدود برخی از شرکا در مشارکت محدود و مسئولیت نامحدود کلیه شرکا در مشارکت عادی؛ ثانیاً، لزوم ثبت مشارکت محدود و عدم لزوم ثبت مشارکت عادی؛ ثالثاً، برخورداری کلیه شرکا از اختیار ضمنی برای نمایندگی مشارکت در مشارکت عادی به گونه‌ای که هر یک از شرکا نماینده دیگری محسوب می‌شود، به طوری که اقدامات یکی از شرکا کلیه شرکای دیگر را ملزم می‌کند حتی اگر آنها هیچ اطلاعی از آنچه ایشان انجام داده است، نداشته باشد؛ در حالی که در مشارکت محدود هیچ کدام از شرکای مالی موسوم به شرکای محدود دارای اختیار ضمنی برای نمایندگی مشارکت محدود نیستند و چنانچه هر یک از شرکای مالی در مدیریت مشارکت مداخله کند ممکن است مسئولیت محدود خود را از دست بدهد؛ رابعاً، مشارکت محدود تابع قانون مشارکت محدود ۱۹۰۷ بوده، ولی مشارکت عادی مشمول قانون مشارکت ۱۸۹۰ است. وجه مشترک این دو نوع مشارکت نیز آن است که هر دو فاقد شخصیت حقوقی هستند.

در ارتباط با وجه تمایز مشارکت محدود با مشارکت با مسئولیت محدود هم باید اضافه کرد که مشارکت محدود فاقد شخصیت حقوقی است، اما مشارکت با مسئولیت محدود دارای شخصیت حقوقی و بسیاری از ویژگی‌های یک شرکت است. کما اینکه بیشتر مفاد قانون شرکت‌های ۱۹۸۵ و قانون ورشکستگی ۱۹۸۶ در مورد آن قابل اعمال است (Andenas & Wooldridge, 2009: 102). فصل مشترک مشارکت‌های اخیر نیز عبارت است از اینکه در هر دو این‌ها برخی از شرکا مسئولیت محدود دارند.

۱-۳. جایگاه صندوق سرمایه‌گذاری جسورانه در حقوق انگلیس

گفته شده است شکل مشارکت محدود توسط قانون مشارکت‌های محدود ۱۹۰۷ معرفی شده است، اما

احتمالاً به دلیل تأخیر در معرفی آن، استفاده کمی از آن در این کشور می‌شود. با وجود این، رایج‌ترین قالب حقوقی است که در صنایع سرمایه‌گذاری جسورانه و سرمایه‌گذاری در سهام خصوصی مورد استفاده قرار می‌گیرد (Pettet, 2005: 21; LLP, 2006: 206; Andenas & Wooldridge, 2009: 152).

گفتنی است، مشارکت محدود تحت همان رژیم مشارکت عادی است با این تفاوت که این‌ها مشمول قانون مشارکت محدود ۱۹۰۷ بوده و شرایطی را فراهم می‌آورد که مطابق آن یک یا چند شریک بتوانند مسئولیت محدود به شرط تحقق سایر شرایط، داشته باشند. در عین حال، مشارکت باید از یک یا چند شخصی نیز تشکیل شود که محدودیتی در مسئولیت نداشته باشند (Pettet, 2005: 21).

مشارکت توسط بند (۱) بخش (۱) قانون مشارکت ۱۸۹۰ بدین شرح تعریف شده است: "رابطه‌ای است که بین اشخاصی که تجارت مشترکی را با هدف کسب سود برقرار می‌کنند، ایجاد می‌شود".

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، این یک تعریف بسیار گسترده است؛ از این‌رو مشارکت ممکن است با توافق شفاهی حاصل شده، یا از رفتار استنباط شود یا می‌تواند ناشی از یک قرارداد کتبی رسمی باشد که شرایط و ضوابط مشارکت را مشخص می‌کند (Goulding, 1999: 5; Dignam & Lowry, 2012: 4). در واقع، هیچ تشریفاتی برای ایجاد مشارکت لازم نیست، در صورت رعایت تعریف، این تشریفات وجود خواهد داشت (Pettet, 2005: 20). به عبارت دیگر، هیچ فرآیند رسمی برای ایجاد مشارکت وجود ندارد؛ کافی است به عنوان شریک رفتار کنید، تا قانون شما را شریک تلقی کند، حتی اگر تصویری از شراکت نداشته باشید (Dignam & Lowry, 2012: 4). با این حال، داشتن قرارداد مشارکت که شرایطی را در ارتباط با روابط شرکا پیش‌بینی کند، کاملاً طبیعی است (Goulding, 1999: 5).

به منظور درک بهتر مشارکت، یکی از نویسندگان بغیر از اولین شرط بدیهی که عبارت از وجود حداقل دو شخص است^۱، عناصر اصلی تعریف را برشمرده و توضیح می‌دهد که:

اولاً، "تجارت" توسط بخش (۴۵) قانون مشارکت تعریف شده است و به عنوان از جمله هر دادوستد، شغل یا حرفه می‌باشد. در دعوای Mann بطرفیت D'Arcy در سال ۱۹۶۸ اعلام شده است که حتی اگر تجارت فقط برای انجام یک معامله باشد، این می‌تواند برای ایجاد یک مشارکت کافی باشد (MacIntyre, 2011: 329).

ثانیاً، مراد از "مشترک" به این معنی نیست که همه شرکا تجارت را انجام می‌دهند، بلکه مقصود آن است که تجارت به نفع همه آنها انجام می‌شود. در بیشتر مشارکت‌ها اشخاصی استخدام می‌شوند، این کارمندان شریک نیستند. آنها ممکن است به ادامه کار کمک کنند، اما به سود آنها انجام نمی‌شود. (MacIntyre, 2011: 330).

۱. ظاهراً علی‌رغم این که در حقوق انگلیس شرکت تک‌نفره وجود دارد، اما مشارکت تک‌نفره مورد پذیرش قرار نگرفته است.

ثالثاً، منظور از "قصد سود" این نیست که تجارت باید سود کند، بلکه منظور این است که شرکا قصد دارند سود کسب کنند. این هدف کسب سود، مشارکت را از باشگاه‌های غیرانتفاعی اعضا مانند کلوپ‌های اجتماعی متمایز می‌کند. (MacIntyre, 2011: 330)؛ به دیگر سخن، شرط مربوط به عنصر "سود" به این معنی است که نمی‌توان از این شکل برای اهداف خیریه یا غیرانتفاعی استفاده کرد (Judge, 1999: 158).

از طرفی در ارتباط با عنصر قصد سود، در دعوای Khan بطرفیت Mia در سال ۲۰۰۰ مجلس اعیان تصمیم گرفته است اشخاصی که قصد تجارت به عنوان مشارکت را دارند، می‌توانند حتی قبل از شروع به کار کسب‌وکار به تجارت، شریک باشند. لذا صرف انعقاد قرارداد برای شریک شدن لازم نیست؛ با این حال، به محض انعقاد قرارداد از طرف کسب‌وکار، مشارکت ایجاد می‌شود حتی اگر کسب‌وکار (در پرونده مطروحه رستوران) هنوز شروع به تجارت نکرده باشد (MacIntyre, 2011: 330).

ذکر این نکته نیز ضرورت دارد که در انگلستان برای تمییز انواع ساختارهای تجاری از یکدیگر، هرگز فرقی بین فعالیت‌های مدنی و تجاری وجود ندارد (Andenas & Wooldridge, 2009: 102). نتیجه آن‌که، در حقوق انگلیس صندوق سرمایه‌گذاری جسورانه از میان سازمان‌ها و ساختارهای تجاری موجود در آن نظام حقوقی، جزو مشارکت‌ها بوده و در میان مشارکت‌ها نیز از نوع مشارکت محدود است.

۳-۲. حقوق ایران

به منظور تبیین بهتر صندوق سرمایه‌گذاری جسورانه در حقوق ایران، ابتدا لازم است ملاک تمییز شرکت‌های تجاری از نهادهای غیرتجاری مورد مذاقه قرار گیرد، آنگاه به بررسی موضوع فعالیت صندوق توجه کرده و سپس با اتکاء به نتایج بدست آمده به تبیین ماهیت آن پرداخت.

۳-۲-۱. ملاک تمییز شرکت‌های تجاری از نهادهای غیرتجاری در حقوق ایران

در حال حاضر در حقوق ایران، تقریباً اکثر حقوق‌دانان بر این موضوع اتفاق نظر دارند که معیار تمییز شرکت‌های تجاری از نهادهای غیرتجاری، اصولاً موضوع فعالیت آنهاست (ستوده‌تهرانی، ج ۲، ۱۳۸۴: ۲۴؛ اسکینی، ج ۱، ۱۳۸۵: ۳۰؛ عیسائی‌نفرشی، ج ۱، ۱۳۹۵: ۷۳؛ کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۲۴؛ کاشانی، ۱۳۸۸: ۸۹). به این معنا که چنانچه موضوع فعالیت نهاد حقوقی تشکیل شده، انجام امور تجارتی باشد، شرکت تجاری محسوب، در غیر این صورت، نهاد غیرتجاری خواهد بود. این مفهوم، از مجموع مقررات حاضر در باب تعریف شرکت‌های تجاری قابل برداشت است. به این صورت که غالباً در تعریف شرکت‌های موجود در قانون تجارت، عبارت "تشکیل برای امور تجارتی" بکار رفته است؛^۱ مگر این‌که

۱. مواد (۹۴، ۱۱۶، ۱۴۱ و ۱۸۳) قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱.

شرکت از نوع سهامی باشد که به تجویز ماده (۲) لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷، موضوع فعالیت آن می‌تواند امور بازرگانی نباشد. در واقع قسم اخیر شرکت‌ها، به لحاظ شکلی تجاری به‌شمار می‌روند، نه به لحاظ ماهیت موضوع فعالیت.

وانگهی، این که گفته می‌شود ملاک تمییز شرکت‌های تجاری از نهادهای غیرتجاری موضوع فعالیت آنهاست، مسلماً استمرار و تکرار آن امور تجارتی مفروض در نظر گرفته می‌شود؛ به دیگر سخن، با تشکیل شرکتی که موضوع فعالیت آن، انجام یکی از امور تجارتی نام برده شده در ماده (۲) قانون تجارت باشد، در اصل چنین تصور می‌شود که شرکت مزبور آن امور را به‌عنوان شغل معمولی خود انجام خواهد داد. بنابراین به این دلیل است که از ماهیت حقوقی به‌وجود آمده، تحت عنوان شرکت "تجاری" یاد می‌شود؛ در غیر این صورت صرف انجام امور تجارتی به‌صورت اتفاقی و موردی باعث تجاری تلقی شدن شرکت نمی‌گردد.

در اینجا باید این نکته را اضافه کرد که هدف اقتصادی مؤسسين از تشکیل یک نهاد حقوقی مبنی بر تحصیل سود یا به‌طور کلی، قصد انتفاع نمی‌تواند ملاک مرزبندی و تفکیک شرکت‌های تجاری از نهادهای غیرتجاری باشد. مؤید این نظر صدر ماده (۱) و نیز ماده (۲) آئین‌نامه اصلاحی ثبت تشکیلات و مؤسسات غیرتجارتی مصوب ۱۳۳۷ است که به‌ترتیب مقرر می‌دارند: «مقصود از تشکیلات و مؤسسات غیرتجارتی مذکور در ماده (۵۸۴) قانون تجارت کلیه مؤسسات و تشکیلاتی است که برای مقاصد غیرتجارتی از قبیل امور علمی یا ادبی یا امور خیریه و امثال آن تشکیل شود اعم از آنکه مؤسسين و تشکیل‌دهندگان قصد انتفاع داشته یا نداشته باشند» و «تشکیلات و مؤسسه مزبور از لحاظ انطباق با مقررات این آئین‌نامه به دو قسمت می‌شوند:

الف) مؤسساتی که مقصود از تشکیل آن جلب منافع و تقسیم آن بین اعضای خود نباشند.

ب) مؤسساتی که مقصود از تشکیل آن ممکن است جلب منافع مادی و تقسیم منافع مزبور بین اعضای خود یا غیر باشد. مانند کانون‌های فنی و حقوقی و غیره». همان‌طور که ملاحظه می‌شود مقررات مذکور به‌وضوح حاکی از آن هستند که نهادهای غیرتجارتی نیز ممکن است با هدف انتفاعی پدید آیند.

۲-۳. موضوع فعالیت صندوق

با در نظر گرفتن این که ملاک تمییز و تشخیص شرکت‌های تجاری از نهادهای غیرتجارتی و مدنی، نوعاً موضوع فعالیت آنهاست. بر این مبنا، باید موضوع فعالیت صندوق سرمایه‌گذاری جسورانه را مد نظر قرار

۱. ماده (۲) ل. ا. ق. ت: «شرکت سهامی شرکت بازرگانی محسوب می‌شود ولو اینکه موضوع عملیات آن امور بازرگانی نباشد».

داد. در این خصوص ماده (۳) نمونه اساسنامه صندوق مصوب سازمان بیان می‌کند: «موضوع فعالیت اصلی صندوق جمع‌آوری منابع مالی و سرمایه‌گذاری در اوراق مالکیت اشخاص حقوقی با موضوع فعالیت در پروژه‌های فکری و نوآورانه در زمینه‌های {...} به‌منظور به بهره‌برداری رساندن و تجاری‌سازی دارایی‌های یاد شده می‌باشد...».

در این میان، مشکل اساسی این است که در قانون تجارت ایران "امور تجاری" تعریف به مصداق شده و تنها به ذکر و تعیین مصادیق آن در ماده (۲) این قانون بسنده کرده است. بدین ترتیب برای مشخص کردن تجاری یا غیرتجاری بودن یک نهاد، ناگزیر باید موضوع فعالیت آن را با هر یک از امور تجاری مصرّحه در ماده (۲)، تطبیق داد. در این راستا، چنانچه موضوع فعالیت نهاد مزبور منطبق بر یکی از موارد ذکر شده باشد، تجاری، در غیر این صورت غیرتجاری خواهد بود.

اجمالاً باید گفت دقت نظر در مصادیق ماده (۲)، مبین آن است که موضوع فعالیت صندوق منطبق بر هیچ‌یک از بندهای ذکر شده نیست و فقط ممکن است بند (۱) و بخش آخر بند (۳) محل بحث بوده و نیاز به بررسی داشته باشد. در بند (۱) می‌خوانیم: «خرید یا تحصیل هر نوع مال منقول به قصد فروش یا اجاره اعم از اینکه تصرفاتی در آن شده یا نشده باشد». به‌رغم این که دور از ذهن نیست موضوع فعالیت صندوق تحت شمول بندهای مذکور قرار گیرد، ولی آنچه در خور اهمیت است این که ضابطه پیش‌بینی شده در ماده (۱) قانون تجارت در خصوص شرایط اتصاف به وصف تاجر بودن، وجود ندارد؛ با این تشریح که حقوق دانان از یک‌سو در تشریح مفهوم و گستره این بند و از سوی دیگر در توضیح معنای تاجر و تفسیر منطوق ماده (۱) ق.ت، شروطی را برای صدق عنوان تاجر از جمله "تکرار عملیات تجاری" را لازم دانسته‌اند (ستوده‌تهرانی، ج ۱، ۱۳۸۳: ۳۳؛ اسکینی، ۱۳۸۴: ۹۶). پس شرط تاجر محسوب شدن

۱. ماده (۲) ق.ت: «معاملات تجاری از قرار زیر است:

- (۱) خرید یا تحصیل هر نوع مال منقول به قصد فروش یا اجاره اعم از اینکه تصرفاتی در آن شده یا نشده باشد.
- (۲) تصدی به حمل و نقل از راه خشکی یا آب یا هوا به هر نحوی که باشد.
- (۳) هر قسم عملیات دلالی یا حق‌العمل‌کاری (کمسیون) و یا عاملی و همچنین تصدی به هر نوع تأسیساتی که برای انجام بعضی امور ایجاد می‌شود از قبیل تسهیل معاملات ملکی یا پیدا کردن خدمه یا تهیه و رساندن ملزومات و غیره.
- (۴) تأسیس و به کار انداختن هر قسم کارخانه مشروط بر این که برای رفع حوائج شخصی نباشد.
- (۵) تصدی به عملیات حراجی.
- (۶) تصدی به هر قسم نمایشگاه‌های عمومی.
- (۷) هر قسم عملیات صرافی و بانکی.
- (۸) معاملات برواتی اعم از این که بین تاجر یا غیرتاجر باشد.
- (۹) عملیات بیمه بحری و غیربحری.
- (۱۰) کشتی‌سازی و خرید و فروش کشتی و کشتیرانی داخلی یا خارجی و معاملات راجعه به آنها».

شخص، از جمله تکرار امور تجارتي است (حسني، ۱۳۸۵: ۳۷۵).

آنچه کمتر محل تردید است عبارت است از این که صندوق به خرید و فروش سهام اشتغال ندارد؛ به عبارتي در اینجا شرط "تکرار" مفقود است و خرید و فروش سهام شغل معمولی صندوق نیست، بلکه صندوق به تأمین مالی و سرمایه‌گذاری "موردي" بر روی اوراق مالکیت اشخاص حقوقی آن هم در یک مدت محدود به منظور به بهره‌برداری رساندن و تجاری‌سازی دارایی‌های موضوع سرمایه‌گذاری می‌پردازد. این است که در ماده (۴) نمونه اساسنامه صندوق مصوب سازمان آمده است: «دوره فعالیت صندوق از ابتدای اولین روزکاری بعد از دریافت مجوز فعالیت صندوق از سازمان شروع شده و به مدت { حداکثر ۷ (هفت) } سال تمام از تاریخ ثبت نزد مرجع ثبت شرکت‌ها ادامه می‌یابد. صندوق پس از پایان دوره فعالیت تصفیه گردیده و انحلال می‌یابد».

در بند (۳) ماده (۲) ق.ت نیز قید شده است: «هر قسم عملیات دلالی یا حق العمل‌کاری (کمسیون) و یا عاملی و همچنین تصدی به هر نوع تأسیساتی که برای انجام بعضی امور ایجاد می‌شود از قبیل تسهیل معاملات ملکی یا پیدا کردن خدمه یا تهیه و رسانیدن ملزومات و غیره». نکته اصلی بند مرقوم آن است که مشاغل پیش‌بینی شده در آن در قالب "واسطه‌گری" کاری را انجام می‌دهند (ستوده‌تهرانی، ۱۳۸۳: ۵۳؛ اسکینی، ۱۳۸۴: ۷۵).

با این تفسیر، صندوق سرمایه‌گذاری جسورانه از دایره شمول بند مذکور خارج می‌شود. زیرا صندوق عملیات موضوع فعالیت مندرج در اساسنامه را در راستای اهداف خویش "اصالتاً" انجام می‌دهد، نه صرفاً به عنوان واسطه برای دیگری؛ هر چند آثار این اقدامات به دیگران نیز تسری پیدا می‌کند.

۳-۲-۳. جایگاه صندوق سرمایه‌گذاری جسورانه در حقوق ایران

با روشن شدن این که موضوع فعالیت صندوق قابل انطباق با هیچ‌یک از بندهای ماده (۲) قانون تجارت نبوده و در شمول هیچ‌یک از آنها قرار نمی‌گیرد، این نتیجه حاصل می‌شود که موضوع فعالیت صندوق انجام امور تجارتي نیست. از این رو، اساساً صندوق شرکت تجارتي محسوب نمی‌شود. افزون بر این، در تأیید عدم صدق عنوان شرکت تجاری در مورد صندوق سرمایه‌گذاری جسورانه، دلایل زیر را نیز می‌توان اضافه کرد:

۱) ذکر "صندوق‌های سرمایه‌گذاری" در کنار "شرکت‌های سرمایه‌گذاری" به عنوان مصادیق نهادهای مالی در بند (۲۱) ماده (۱) قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران ظهور در آن دارد که از نظر قانون‌گذار نیز این دو نهاد از یکدیگر متمایز هستند؛

۲) تفاوت دیگر به نحوه مدیریت این دو باز می‌گردد؛ در حالی که مدیریت شرکت‌های تجاری از طریق رکن داخلی آن‌ها انجام می‌شود، ولی مدیریت صندوق ممکن است به واسطه برون‌سپاری آن صورت گیرد؛

۳) مطابق ماده (۴) نمونه اساسنامه صندوق مصوب سازمان، دوره فعالیت صندوق حداکثر ۷ سال است، این در حالی است که شرکت تجاری عموماً برای یک دوره نامحدود تشکیل می‌شود.

در حقوق داخلی بحث مفصلی در خصوص ماهیت صندوق سرمایه‌گذاری جسورانه صورت نگرفته است. تنها یکی از نویسندگان در این رابطه می‌نویسند: «به نظر می‌رسد در حال حاضر، صندوق سرمایه‌گذاری جسورانه در کشور ما قالب و ماهیتی مخصوص داشته، در قالب هیچ‌یک از نهادهای موجود نمی‌گنجد» (سلطانی، ۱۳۹۸) و در ادامه می‌افزایند: «صندوق سرمایه‌گذاری خطرپذیر نهادی خاص است و از نظر ماهیت با نهادهای سنتی حقوق تجارت، از جمله شرکت، تطبیق ندارد و قواعد اختصاصی آن با رجوع به قوانین، از جمله قانون بازار اوراق بهادار و قانون توسعه ابزارها و مقررات مصوب در حوزه بازار سرمایه، به‌ویژه اساسنامه و امیدنامه نمونه صندوق‌های سرمایه‌گذاری جسورانه خطرپذیر، تعیین می‌شود» (سلطانی، ۱۳۹۸). ایراد وارد بر این نظریه آن است که تکلیف مواردی را که به سکوت، اجمال یا ابهام برگزار می‌شود، مشخص نکرده است و معلوم نیست که در این موارد چه باید کرد.

به اعتقاد ما صندوق سرمایه‌گذاری جسورانه به لحاظ ماهیت از مصادیق تشکیلات و مؤسسات غیرتجاری موضوع ماده (۵۸۴) قانون تجارت است؛ چه آن‌که دربردارنده شاخصه‌ها و مؤلفه‌های عمده حاکم بر نهادهای مذکور می‌باشد. زیرا، اولاً، صندوق نیز همانند تشکیلات و مؤسسات غیرتجارتی دارای شخصیت حقوقی است؛ ثانیاً، موضوع فعالیت صندوق هم به مثابه تشکیلات مزبور، انجام امور غیرتجارتی است؛ ثالثاً، لزوم ثبت صندوق مانند آن مؤسسات و پیداکردن شخصیت حقوقی از تاریخ ثبت در هر دو اینها، مبین تطابق ماهیت صندوق با طبیعت تشکیلات و مؤسسات یادشده است.

توصیف ماهیت صندوق تنها جنبه نظری ندارد، بلکه دارای فواید عملی است. با این توضیح و به‌طور کلی می‌توان گفت، در مواردی که اساسنامه صندوق نسبت به موضوعی ساکت، مجمل یا مبهم باشد، از آنجاکه این صندوق‌ها با شرکت‌های تجاری دارای تمایز بنیادین هستند، اساساً از دایره شمول مقررات شرکت‌های تجاری خارج می‌باشند. از این رو در مقام تفسیر و رفع ابهام از مقررات حاکم بر شرکت‌های تجاری نمی‌توان بهره برد. ولی از سوی دیگر، می‌توان از مقررات عام حاکم بر بازار سرمایه در راستای رفع خلأهای موجود در اساسنامه صندوق تا آنجایی که مخالف مقتضای ذات این صندوق‌ها نباشد، بهره جست. عده‌ای در مقام توضیح مفهوم تشکیلات و مؤسسات غیرتجارتی عنوان می‌دارند: «به نظر می‌رسد عبارت یادشده [تشکیلات و مؤسساتی که برای مقاصد غیرتجارتی تأسیس شده یا بشوند مذکور در ماده در ماده (۵۸۴۹) قانون تجارت]، تشکیلاتی باشد که از سوی اشخاص و در قالب مشارکت میان چند شخص ایجاد گردیده‌اند. این دسته از مؤسسات را به مسامحه می‌توان شرکت غیرتجاری به‌شمار آورد» (پاسبان، ۱۳۸۹: ۱۶).

البته در عین حال، از دید ما به نظر می‌رسد اظهارنظر مطلق بشرح بالا با ابتناء بر این‌که تشکیلات و

مؤسسات غیرتجارتی به لحاظ طبیعت آن، در همه حال شرکت مدنی محسوب می‌شوند، همیشه منطبق بر واقع نیست؛ زیرا هم‌چنان‌که سابقاً نیز اشاره شد به دلالت مواد (۱) و (۲) آئین‌نامه اصلاحی ثبت مؤسسات و تشکیلات غیرتجارتی مصوب ۱۳۳۷، تشکیلات و مؤسسات غیرتجارتی خود به دو نوع انتفاعی و غیرانتفاعی تقسیم می‌شود. از همین‌رو، روشن است تشکیلات و مؤسسات غیرتجارتی غیرانتفاعی که مقصود از تشکیل آن جلب منافع و تقسیم آن بین اعضای خود نیست، از دامنه شمول شرکت مدنی خارج است و اطلاق شرکت مدنی به این قسم از تشکیلات و مؤسسات غیرتجارتی خالی از اشکال نیست. چه آن‌که در شرکت مدنی با لحاظ تعریف آن (جعفری‌لنگرودی، ۱۳۸۴: ۳۸۹؛ کاشانی، ۱۳۸۸: ۶۵)، هدف انتفاعی و قصد تحصیل سود و تقسیم منفعت احتمالی مفروض و مستتر است. بنابراین تشکیلات و مؤسسات غیرتجارتی در برخی مصادیق و آن هم زمانی که تشکل و مؤسسه مزبور از نوع انتفاعی باشد، می‌تواند از مصادیق شرکت مدنی به‌شمار رود. در تأیید این نظر برخی معتقدند: «این نوع مؤسسات [مؤسسات انتفاعی] اگرچه مقاصد تجارتی ندارند، اما به‌منظور جلب سود و منفعت و تقسیم آن بین اعضاء تشکیل می‌گردند. بنابراین، مؤسسات مزبور در واقع شرکت‌های مدنی‌ای هستند که به عملیاتی، جز آنچه که عرفاً تجارت محسوب می‌شود، می‌پردازد. غرض از این مشارکت‌ها کسب منافع و تقسیم آن بین شرکا است» (صفر، ۱۳۹۵: ۲۰۱).

بنابراین باید معتقد بود که صندوق سرمایه‌گذاری جسورانه از مصادیق تشکیلات و مؤسسات غیرتجارتی انتفاعی تلقی می‌گردد که موضوع آن غیرتجاری است؛ بر این اساس، در وهله اول مقررات مصوب سازمان در پیوند با موضوع مجری خواهد بود، لیکن در مواقعی که این مقررات ساکت، مجمل یا مبهم باشد، در تعیین تکلیف موارد مذکور می‌توان به قواعد عمومی از جمله قانون توسعه ابزارها و نهادهای مالی جدید مصوب ۱۳۸۸ مراجعه کرد.

پیرامون لزوم ثبت صندوق می‌توان گفت در واقع، خصوصیت خاص این نهاد مالی اقتضاء آن دارد که به‌منظور انتظام‌بخشی به تأسیس و فعالیت آن و نیز با اهداف حفظ حقوق سرمایه‌گذاران به‌دلیل آن‌که همواره در این نهادها با چالش تضاد منافع مواجه هستند، و شفافیت اطلاعاتی (ماده ۲۱ قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران)، هم‌چنین سازمان‌دهی و شفاف‌سازی اخذ مالیات ایجاب می‌کند شکل رسمی و سازوکاری منظم داشته باشد.

در پایان باید خاطر نشان کرد تبصره ماده (۵۸۴) ق. ت بیان می‌کند: «تشکیلات و مؤسسات مزبور می‌تواند عناوینی از قبیل انجمن، کانون یا بنگاه و امثال آن اختیار نمایند...». بکار رفتن عبارت «امثال آن» در تبصره مذکور بیانگر این است که عناوین تشکیلات و مؤسسات غیرتجارتی منحصر به عنوان‌های یادشده نیست و تشکیلات و مؤسسات مزبور می‌تواند عنوانی غیر از آنچه اشاره شد، داشته باشد. با این وصف، می‌توان گفت تشکیلات و مؤسسات غیرتجارتی ممکن است دارای عنوان صندوق نیز باشد.

نتیجه گیری

ماهیت صندوق سرمایه‌گذاری جسورانه در حقوق ایران روشن نیست. دلیل این امر را باید در آن جست که این نهاد اساساً از حقوق کشورهای خارجی وارد نظام حقوقی داخلی شده است. از طرف دیگر، تعاریف قانونی ارائه شده نیز مزید بر علت است؛ زیرا این تعاریف بسیار کلی بوده و همچنین ضابطه تشخیص نهادهای تجاری از غیرتجاری در آن مدنظر قرار نگرفته است. از این رو، ارائه تعریف دقیق و نیز تبیین ماهیت حقوقی این نهاد حقوقی لازم است.

برآیند بررسی موضوع در حقوق خارجی نشان می‌دهد که مشارکت محدود رایج‌ترین شکل حقوقی صندوق سرمایه‌گذاری جسورانه در حقوق انگلیس است. با این توضیح که در نظام حقوقی آن کشور، سازمان‌ها و ساختارهای تجاری به سه گروه عمده تاجر منفرد (یا مالکیت انحصاری)، مشارکت و شرکت تقسیم می‌شود؛ در این میان مشارکت خود به سه قسم مشارکت عادی، مشارکت با مسئولیت محدود و مشارکت محدود تقسیم می‌شود. به‌طورکلی، وجوه افتراق مشارکت‌ها با شرکت در حقوق آن کشور اولاً، به‌وجود شخصیت حقوقی در شرکت و عدم آن در مشارکت؛ ثانیاً، مسئولیت محدود شرکا در شرکت و نامحدود شرکا در مشارکت؛ و ثالثاً، لزوم ثبت شرکت‌ها و عدم الزام ثبت مشارکت‌ها باز می‌گردد. به‌رغم این‌ها، مشارکت محدود واجد برخی اوصاف حاکم بر شرکت‌ها می‌باشد؛ زیرا هرچند مشارکت محدود از شخصیت حقوقی برخوردار نیست، اما مسئولیت محدود برخی از شرکا پذیرفته شده است. از طرف دیگر، مطابق قانون مشارکت محدود ۱۹۰۷ انگلیس، مشارکت محدود در آن کشور، باید به ثبت برسد.

در حقوق داخلی نیز با در نظر گرفتن مجموع قوانین و مقررات مرتبط با موضوع و بازار سرمایه باید بر آن بود که ضمن این‌که صندوق دارای شخصیت حقوقی است، ماهیت آن نیز منطبق بر تشکیلات و مؤسسات غیرتجارتی انتفاعی موضوع ماده (۵۸۴) قانون تجارت است؛ زیرا دارای همه ویژگی‌های عمده ناظر بر این تشکیلات و مؤسسات غیرتجارتی از جمله، برخورداری از شخصیت حقوقی، انجام امور غیرتجاری به‌عنوان موضوع فعالیت، هم‌چنین لزوم ثبت آن است.

صرف نظر از اینکه فعالیت صندوق مشمول هیچیک از بندهای ماده (۲) قانون تجارت نیست، عدم صدق عنوان تجارتی بر فعالیت صندوق سرمایه‌گذاری جسورانه در اصل، ناشی از دلیل دیگری نیز هست. با این بیان‌که در اینجا شرط "تکرار عملیات تجارتی" وجود ندارد؛ زیرا به‌دلالت ماده (۱) قانون تجارت آنچه سبب اتصاف اشخاص اعم از حقیقی یا حقوقی به وصف تاجر می‌شود، انجام امور تجارتی مذکور در ماده یادشده به‌عنوان شغل معمولی است. روشن است برخورداری صندوق از شخصیت حقوقی، نام، دارایی، اهلیت، اقامتگاه و تابعیت مستقل آن را در پی دارد.

فهرست منابع

ابوجعفری، روح‌اله، کتعمانی، مهدی، ۱۳۹۵ ش، تأمین مالی نوآوری و سرمایه‌گذاری خطرپذیر در ایران، معاونت پژوهش‌های زیربنایی و امور تولیدی، دفتر مطالعات ارتباطات و فناوری‌های نوین (گروه فناوری‌های نو)، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

اسکینی، ربیعا، ۱۳۸۴ ش، حقوق تجارت: کلیات، معاملات تجاری، تجارت و سازماندهی فعالیت تجاری، تهران، سم، چ ۷.

_____، ۱۳۸۵ ش، حقوق تجارت: شرکتهای تجاری، تهران، سمت، چ ۱۰، ج ۱.

پاسبان، محمدرضا، ۱۳۸۹ ش، حقوق شرکتهای تجاری، تهران، سمت، چ ۴.

جعفری‌لنگرودی، محمدجعفر، ۱۳۸۴ ش، ترمینولوژی حقوق، تهران، گنج‌دانش، چ ۱۵.

حسنی، حسن، ۱۳۸۵ ش، حقوق تجارت: مشتمل بر کلیه مباحث، تهران، میزان، چ ۴.

ستوده‌تهرانی، حسن، ۱۳۸۳ ش، حقوق تجارت، تهران، دادگستر، چ ۹، ج ۱.

_____، ۱۳۸۴ ش، حقوق تجارت، تهران، دادگستر، چ ۶، ج ۲.

سلطانی، محمد، ۱۳۹۸ ش، «مفهوم و ماهیت صندوق سرمایه‌گذاری خطرپذیر»؛ حقوق بازار سرمایه در پرتو حقوق اقتصادی، تهران، میزان، چ ۲.

صادقی‌شاهدانی، مهدی، صلواتیان، محمدامین، ۱۳۹۷ ش، تأمین مالی مبتنی بر انواع سرمایه‌گذاری خصوصی، تهران، دانشگاه امام صادق(ع)، چ ۱.

صفار، محمدجواد، ۱۳۹۵ ش، شخصیت حقوقی، تهران، بهنامی، چ ۲.

صفایی، سیدحسین، قاسم‌زاده، سیدمرتضی، ۱۳۸۴ ش، اشخاص و محجورین، تهران، سمت، چ ۱۰.

طباطبائی مؤتمنی، منوچهر، ۱۳۹۱ ش، حقوق اداری، تهران، سمت، چ ۱۸.

عیسائی‌تفرشی، محمد، ۱۳۹۵ ش، مباحثی تحلیلی از حقوق شرکت‌های تجاری، تهران، دانشگاه تربیت مدرس، چ ۲، ج ۱.

کاتوزیان، ناصر، ۱۳۸۶ ش، مشارکتها- صلح، تهران، گنج‌دانش، چ ۷.

کاشانی، سیدمحمود، ۱۳۸۸ ش، حقوق مدنی، قراردادهای ویژه، تهران، میزان، چ ۱.

گندم‌کار، رضاحسین، صالحی‌مازندرانی، محمد، حمیدی، محمد مهدی، ۱۴۰۰ ش، «بررسی تطبیقی امکان وجود شخصیت حقوقی برای سامانه‌های هوشمند در فقه امامیه، حقوق ایران و حقوق غرب»، پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، سال هشتم، ش ۴.

Andenas, Mads & Wooldridge, Frank (2009). European Comparative Company Law, Printed in the United Kingdom at the Cambridge University Press, Cambridge.

Arundale, Keith (2007). Raising Venture Capital Finance in Europe: A practical guide for business owners, entrepreneurs and investors, Printed in Great Britain by Cambrian Printers Ltd, Aberystwyth, Wales.

Dignam, Alan & Lowry, John (2012). Company Law, Printed in Great Britain by Ashford Color Press Ltd, Gasport, Hampshire.

Goulding, Simon (1999). Company Law, Printed in Great Britain.

- Judge, Stephen (1999). *Business Law*, Printed in Great Britain Antony Rowe Ltd, Chippenham, Wiltshire.
- Klonowski, Darek (2010). *The Venture Capital Investment Process*, Palgrave Macmillan.
- LLP, Sj Berwin (2006). *Private Equity Fund and Structures in Europe: An EVCA Tax and Legal Committee Paper*, Published by European Private Equity & Venture Capital Association.
- MacIntyre, Ewan (2011). *Essentials of Business Law*, Printed by Ashford Color Press Ltd, Gasport.
- Metrick, Andrew & Yasuda, Ayako (2011). *Venture Capital & The Finance of Innovation*, Printed in the United States of America.
- Pettet, Ben (2015). *Company Law*, Printed in Great Britain by Henry Ling Ltd., at the Dorset Press, Dorchester, Dorset.
- Roach, Lee (2014). *Concentrate Company Law*, Oxford University Press.
- The Association of Business Executives, *Principles of Business Law*, United Kingdom.
- Partnership Act 1890 (UK).
- Limited Partnership Act 1907 (UK).
- Directive 2011/61/EU of the European Parliament and of the Council of 8 June 2011: on Alternative Investment Fund Managers and Amending Directives 2003/41/EC and 2009/65/EC and Regulations (EC) No 1060/2209 and 1095/2010 (EU).
- Regulation (EU) No 345/2013 of the European and of the Council of 17 April 2013: on European Venture Capital Funds (EU).

Persian Sources

- Abujafari, R. & Kanani, M. (2016). *Financing of Innovation and Venture Capital in Iran*, Deputy of Infrastructure Research and Production Affairs Office: Communication Studies and New Technologies (Modern Technology Group), Islamic Consultative Assembly Research Center.
- Eskini, R. (2005). *Commercial Law: Generalities, Commercial Acts, Merchants and the Organization of Commercial Activity*, Tehran: SAMT.
- Eskini, R. (2006). *Commercial Law: Trading Corporations*, Volume 1, Tehran: SAMT.
- Pasban, M. R. (2010). *Company Law*, Tehran: SAMT.
- Jafari Langroudi, M. J. (2005). *Law Terminology*, Tehran: Ganj-e Danesh.
- Hasani, H. (2006). *Commercial Law: Including All Topics*, Tehran: Mizan.
- Sotoudeh, T. H. (2004). *Commercial Law*, Volume 1, Tehran: Dadgostar.
- Sotoudeh, T. H. (2005). *Commercial Law*, Volume 2, Tehran: Dadgostar.
- Soltani, M. (2019). "The Concept and Nature of the Venture Capital Fund"; *Capital Market Law in Light of Economic Law*, Tehran: Mizan.
- Sadeghi, Sh. M. & Salavatian, M. A. (2018). *Financing Based on Types of Private Equity*, Tehran, Imam Sadegh University.
- Saffar, M. J. (2016). *Juridical Personality*, Tehran: Behnami.
- Safai, S. H. & Qasemzadeh, S. M. (2005). *Typical Persons and Persons Under Legal Incapacity*, Tehran: SAMT.
- Tabatabai Motameni, M. (2012). *Administrative Law*, Tehran: SAMT.
- Issaei T, M. (2016). *Analytical Studies on Company Law*, Volume 1, Tehran, Tarbiat Modares University.

Katouzian, N. (2007). Partnerships: Peace, Tehran, Ganj-e Danesh.

Kashani, S. M. (2009). Civil Law, Special Contract, Tehran: Mizan.

Gandomkar, R. H., Salehi M, M. & Hamidi, M. M. (2021), "A Comparative Study of the Possibility of the Existence of Legal Personality for Intelligent Systems in Islamic Jurisprudence, Iranian and Western Laws", Journal of Comparative Study of Islamic and Western Law, 8(4), pp. 235- 266.

